



Elucidation of the divine law's role in the reliability of Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli

Mohammad Hosein Daneshkia *

Ayoub Zarekhafri **

Received on: 25/09/2021

Accepted on: 16/03/2022


Abstract

Today, human individual and social identity depend on the civilization domain to which it belongs. The stronger and more prosperous this domain of civilization is the more individuals and societies belonging to that civilization fill valuable. Therefore, in order to value the individual and social identity of the Islamic society, one should seek to build a civilization based on divine law. One of the scientific goals of choosing this subject is to "show the role of divine law in the reliability of Islamic civilization." Numerous factors are involved in the reliability of Islamic civilization, including the existence of a prominent law that can play an important role in the reliability of any civilization. Basically, the existence of civilization and the stability of civilization in the light of fine and compelling laws is a necessary matter to cultivate civilizational behaviors and then for the reliability of civilization. Through a descriptive-analytical method, the present article seeks to answer the question of what is the role of divine law in the reliability of Islamic civilization from the point of view of Ayatollah Javadi Amoli? The divine law has been presented to mankind through revelation in the form of prophecy, and its final objective appearance is manifested in the Holy Qur'an and the city of the Prophet, Madinat al-Nabi. The law and the law enforcer must be accompanied by ethics in order to have legal sanctions.

Keyword: Divine Law, Reliability, Islamic Civilization, Javadi Amoli.


.....
* Associate Professor, Department of History of Islamic Culture and Civilization, University of Islamic Studies, Qom, Islamic Republic of Iran.

Mkia1988@gmail.com

 0000-0002-4222-5254

** Ph.D. student in Islamic History and Civilization, University of Tehran, and Lecturer in Quranic Interpretation and Sciences, Esra Institute. (Corresponding Author)

ayyobzare1365@gmail.com

 0000-0002-2660-0237



تبیین نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

محمدحسین دانشکیا*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

ایوب زارع‌خفری**

چکیده

امروزه هویت فردی و اجتماعی بشر به حوزه تمدنی بستگی دارد که به آن تعلق دارد، هر مقدار این حوزه تمدنی قوی‌تر و بالنده‌تر باشد، افراد و جوامع متعلق به آن تمدن، احساس ارزشمندی بیشتری می‌کنند، از این رو جهت ارزشمندسازی هویت فردی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی، باید به دنبال تمدن-سازی بر اساس قانون الهی بود. از جمله اهداف علمی انتخاب این موضوع، «نشان دادن نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی» است. عوامل متعددی در پایایی تمدن اسلامی دخالت دارند، از جمله وجود قانون فاخر است که می‌تواند نقش مهمی در پایایی هر تمدنی داشته باشد، اساساً وجود تمدن و ثبات تمدنی در پرتو قوانین خوب و متقن، امری لازم جهت پرورش رفتارهای تمدنی و سپس پایایی تمدنی است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ قانون الهی از طریق وحی در قالب نبوت به بشر عرضه شده است و نمود عینی نهایی آن در قرآن کریم و مدینه‌النبی متجلی شده است. قانون و مجری قانون باید با اخلاق همراه باشد تا ضمانت اجرایی داشته باشد.

کلمات کلیدی: قانون الهی، پایایی، تمدن اسلامی، جوادی آملی.

* دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، جمهوری اسلامی ایران.

0000-0002-4222-5254

Mkia1988@gmail.com

** دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران و مدرس تفسیر و علوم قرآن موسسه عالی اسراء.

(نویسنده مسئول)

0000-0002-2660-0237

ayyobzare1365@gmail.com

بیان مسئله

از یک سو هیچ فیلسوف و تحلیل‌گر حیات بشری در این امر شک ندارد که انسان به زندگی اجتماعی و تمدن‌گرایی دارد، همان‌طور که نیاز جامعه به قانون مورد تردید نیست. (سبحانی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴) حیات اجتماعی انسان همواره آمیخته با قانون بوده یا دست‌کم حیات اجتماعی قانون‌مدار مطلوب می‌نموده است (هارت، ۱۳۹۳، ص ۱۱) و از سوی دیگر، تمدن را می‌توان از نظرگاه‌های مختلفی کاوید، یکی از ارکان تمدن، داشتن قانون است، قانون را می‌توان از حیث قانون‌گذار، متن قانون، مواد و منابع قانون، نقش و تأثیر قانون در جوامع انسانی وارسید، در این میان برخی اندیشمندان درباره‌ی قانون و نقش آن در پایایی تمدن سخن گفته‌اند. آیت‌الله جوادی آملی از اندیشمندان معاصر به این مسئله پرداخته است. از این‌رو پرسش اصلی مقاله حاضر این است که نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ و پرسش‌های فرعی عبارت انداز: نظر آیت‌الله جوادی آملی از نقش قرآن در پایایی تمدن چیست؟ جایگاه قانون در حکومت از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره‌ی قانون الهی و بشری چیست؟ تبیین آیت‌الله جوادی آملی از نیاز جامعه به قانون و رهبر وارسته چیست؟ نسبت قانون با اخلاق و اخلاق با توحید از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ نقش مجری قانون در پایایی تمدن از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟

در این پژوهش منظور از پایایی، طول عمر و حیات یک تمدن است و مقصود از قانون، برنامه‌ای جامع و مشخص برای اداره‌ی جامعه بشری جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی هست، اما درباره‌ی تمدن بحث‌های فراوانی صورت گرفته است، برخی تمدن را با علم و تکنولوژی یکی انگاشته‌اند و برخی دیگر در واژه تمدن و احیای آن تنها به قدرت سیاسی اشاره داشته‌اند و برخی هم تمدن و فرهنگ را درهم‌آمیخته‌اند و آن دو را به یک معنا گرفته‌اند. (بابایی، ۱۳۹۳ الف، ص ۲۸) تمدن عبارت است از مجموعه پاسخ‌های عاقلانه به چالش‌های محیط؛ جوامع رقیب، مسائل ناشی از مشکلات اداره‌ی درونی جامعه و تطور تاریخی و منحصر به فرد مجموعه این پاسخ‌ها و جرح و تعدیل مداوم آن‌ها که در پاسخ به عوامل خارجی و نیز در تقابل با یکدیگر است. (بابایی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۳۰)

مشخص‌ترین ویژگی مشترک تمدن‌های محوری، شیوه تازه تمایز‌گذاری میان سطوح واقعیت

است: «این ادراک که شکافی میان امر متعالی و دنیوی وجود دارد». (یوهان پی، ۱۳۹۹، ص ۲۴۴) از یک سو قدرت هر تمدنی به فعالیت‌هایی وابسته است که جذابیت و اعتبار آن را افزایش یا کاهش می‌دهد (بابایی، ۱۳۹۹، ص ۴۲) این فعالیت‌ها در چارچوب قانون خوب تعریف می‌شود و از سوی دیگر هر تمدنی معیار خودش را دارد، مثلاً معیار تمدن چینی با تمدن اسلامی تفاوت دارد، درست همان‌گونه که معیار تمدن اروپایی با معیار تمدن هندی تفاوت می‌کند. (مجموعه مقالات، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷) بنابراین هر تمدنی بسته به تعریفی که از خود و دیگری ارائه می‌دهد، ایده هدایت‌گر خود را تبیین می‌کند (نوروزی فیروز، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰)، اساساً در تمدن اسلامی وحی الهی ایده هدایت‌گر تمدن محسوب می‌شود، از این رو قرآن به‌مثابه قانون اساسی در تمدن اسلامی به شمار می‌آید که باید میزان و ملاک سنجش دیگر قوانین موضوعه قرار بگیرد. انقلاب اسلامی ایران هدف خود را رسیدن به تمدن نوین اسلامی معرفی کرده است، همان‌گونه که تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه اعتقادات دیرینه مردم (حکومت حق، عدل و قرآن) صورت گرفته، ادامه حیات آن با همان مبانی اعتقادی میسر خواهد بود، اعتقادات نقش تعیین‌کننده و کاملی را در تمام امور و شئون جامعه داراست و راهنمای زمامداران و مردم برای پایه‌ریزی نظام اجتماعی هست. (هاشمی، ۱۳۹۸، ص ۸۴) بنابراین اساس تمدن نوین اسلامی و پایایی آن هم بر همین اعتقادات استوار خواهد بود.

۱. پیشینه‌ی تحقیق

گرچه نگاه‌های فراوانی اعم از مقاله، پایان‌نامه و رساله پیرامون اندیشه‌های آیت‌الله جوادی تدوین شده است، اما درباره‌ی «تبیین نقش قانون در پایایی تمدن» پژوهشی صورت نگرفته است، بنابراین مقاله‌ی حاضر پیشینه‌ی مساوی و مستقیم ندارد، اما می‌توان پیشینه‌های اعم و غیرمستقیم برای این نوشتار ذکر کرد:

- مریم سعیدیان جزی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ی «خطوط کلی مهندسی تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی» با هدف تبیین مبانی و مؤلفه‌های تمدن‌ساز در منظومه معرفتی آیت‌الله جوادی آملی، به خطوط کلی مهندسی تمدن نوین اسلامی پرداخته است. این مقاله همان‌طوری که از عنوان آن پیداست، موضوع‌محور هست و می‌تواند به‌عنوان پیشینه اعم برای مقاله‌ی حاضر

قلمداد شود. این تحقیق نشان می‌دهد تمدن نوین اسلامی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی امری دست‌یافتنی، ضروری و مطلوب هست و بنیان اندیشه‌ای آن براساس معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و مبانی ارزشی مبتنی بر منابع اصیل اسلامی است، در این تحقیق به نقش قانون در پایایی تمدن نوین اسلامی اشاره‌ای نشده است.

- مهدی امیری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ی «تعقل و تدین در ساحت‌های تمدن از منظر آیت‌الله جوادی آملی» از یک‌سو به مسئله تمدن و نسبت آن با ساختار وجودی انسان می‌پردازد، انسان طبیعتی دارد سودجو، استخدام‌گر و کثرت‌گرا و فطرتی دارد حق‌طلب، عدالت‌خواه و وحدت‌گرا، بر این مبنا، انسان را متوحش طبعی و متمدن فطری معرفی می‌کند، از این‌رو وحدت تمدن در گرو فطرت و کثرت تمدن با طبیعت مرتبط است و از سوی دیگر به مسئله‌ی علم دینی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که تمدن راستین با امامت فطرت همراه است و تمدن متعالی با دین فطری و علم دینی قابل‌دستیابی خواهد بود. این تحقیق به‌نوعی می‌تواند پیشینه‌ی عام پژوهش پیش رو باشد.

- سلیمانی، زهرا، منتظر القائم، اصغر (۱۴۰۰)، در مقاله‌ی «بررسی ویژگی‌های کارگزاران تمدن‌ساز در قرآن (با تأکید بر کارگزاران حکومتگر)» برای کارگزاران تمدن‌ساز ویژگی‌هایی مانند اخلاق حسنه، مقابله با فساد، بسط عدالت و مهرورزی را ذکر می‌کند و معتقد است که قرآن کریم مدلی دقیق و هوشمندانه برای ایجاد تمدن ارائه کرده است، با توجه به داده‌ها و یافته‌های این پژوهش می‌تواند پیشینه‌ی غیرمستقیم تحقیق حاضر باشد.

- صادقی، ابراهیم، خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «امکان‌سنجی مهندسی تمدن نوین اسلامی از منظر مدل ارتباطی دین و علم مدرن در اندیشه علامه جوادی آملی» به نظریه‌ی استاد علامه جوادی آملی در تبیین الگوی ارتباطی علم و دین در مهندسی تمدن نوین اسلامی می‌پردازد، دین به‌عنوان اساس و پایگاه اسلامی کردن تمدن و علم به‌عنوان ابزار جریان دین در حوزه‌ی مهندسی تمدن در نظر گرفته شده است و به مدل ارتباطی میان این دو مدل پرداخته است و تولید علم دینی با رویکرد تمدن‌سازی را امری ممکن و مطلوب معرفی می‌کند و در نتیجه تأسیس تمدن اسلامی را ممکن و مطلوب می‌داند، این پژوهش می‌تواند به‌گونه‌ای پیشینه‌ی اعم و غیرمستقیم برای تحقیق حاضر باشد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. هدف نظری

این تحقیق می‌تواند در گسترش بحث‌های تمدنی در حوزه‌ی مطالعات اسلامی تمدن مفید باشد و نقش آموزه‌های اسلام در تمدن‌سازی و پویایی و پایایی آن را ترسیم کند. بنابراین از جمله اهداف علمی انتخاب این موضوع «نشان دادن نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی» هست.

۲-۲. هدف کاربردی

تبیین تمدنی از قانون الهی، قابلیت مکتب اسلام جهت ارائه راهکارهای مشخص برای مسائل بنیادین ملت‌های مسلمان و جامعه‌ی جهانی را ترسیم می‌کند. چنین تحقیقاتی می‌تواند به گسترش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در راستای نظریه‌پردازی کمک کند.

۲-۳. ضرورت نظری

اگرچه پیرامون قانون اسلامی و ابعاد مختلف آن بحث‌های فراوانی شده است، اما تاکنون این مسئله با ادبیات تمدنی تبیین نشده است. نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی از این نظر نیازمند کاوش است تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای علمی جوامع اسلامی باشد.

۲-۴. ضرورت کاربردی

پیشینه‌ی تاریخی ملت‌های مسلمان از حکومت‌ها و دولت‌هایی حکایت دارد که هر کدام در کوران حوادث روزگار، تجربیات بزرگ گوناگونی را از سر گذرانده‌اند. این پیشینه‌ی تاریخی عظیم و گسترده، نگرش‌های متفاوتی را میان گروه‌های مدعی قدرت ایجاد کرده است که می‌تواند نوعی سوءتفاهم و حتی درگیری میان آنان ایجاد کند و به اختلافات دامن بزند. بررسی وضعیت حکومت‌های ممالک اسلامی حکایت از اختلافات فراوان در میان آن‌ها دارد. برای رفع و دفع بحران‌های حاصل از این اختلافات در سطح حکومت‌های اسلامی باید به عناصر مشترک، منطقی، همه‌باور و ابزار لازم برای برانگیختن حس هم‌بستگی حکومت‌های اسلامی تجهیز شد، قانون الهی منعکس شده در قرآن کریم می‌تواند همان عنصر مشترکی باشد که پاسخ‌گوی این نیاز است.

۳. روش تحقیق

معمولاً این سنخ از پژوهش‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و نرم‌افزارها صورت می‌گیرد. اگرچه مطالعات تمدنی به لحاظ روشی، نوعی کثرت‌گرایی روشی را اقتضا می‌کند، از آن‌جا که پژوهش حاضر در پی کشف دلالت‌های تمدنی قانون الهی هست، تحقیقی توصیفی - تحلیلی به‌شمار می‌آید. براین اساس، در این روش پژوهش، فرآیند تحقیق علمی به صورت نظام‌مند به گردآوری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل عناصر و داده‌ها می‌پردازد (زارع‌خفری، ۱۳۹۸، ص ۴۴).

۳-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌های فراهم‌شده در این پژوهش، از شیوه‌ی تجزیه و تحلیل کیفی - عقلی استفاده می‌شود. در این روش که برای تحلیل محتوا به کار می‌رود، از کلیه‌ی روش‌های تفسیری، توصیفی، تحلیلی، مقایسه‌ای و تاریخی استفاده می‌شود تا درباره‌ی صحت و سقم فرضیه داوری شود. در این جستار، اطلاعات موردنیاز و مرتبط با مسئله پژوهش گردآوری و استخراج می‌شود، در ادامه براساس روش «مطالعه پژوهشی» که روشی جهت‌دار، سؤال‌محور و مطالعه انتقادی است، به تبیین مسئله پژوهش پرداخته می‌شود (ر.ک: عرفان، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

۳-۱-۱. تبیین نقش قرآن در تمدن از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی، قرآن یکی از ارکان اصلی تمدن اسلامی محسوب می‌شود، از این رو می‌توان گفت، قانون اساسی تمدن اسلامی، قرآن کریم است. دو مورد از شاخصه‌های تمدن‌ساز قرآن عبارت‌است از: الف. قانون بودگی ب. جهانی بودن.

الف. قانون بودگی: قرآن کریم قانون اساسی دین است، چنین کتابی که از سوی حیّ قیوم آمده، قیّم است و قیوم جامعه بشری است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۰، ص ۵۵۷) قانون اساسی، خطوط کلی حرکت هر جامعه‌ای را مشخص می‌کند و دیگر قوانین موضوعه، بر اساس آن تصویب و تفسیر می‌شود، بر این اساس قرآن کریم که قانون اساسی دین محسوب می‌شود، خطوط کلی دین را ترسیم کرده و مفسر اصلی قوانین دین به‌شمار می‌آید، از آن‌جا که آیت‌الله جوادی آملی، تمدن را

ثمره دین می‌دانند، بر این اساس قرآن، قانون اساسی تمدن نیز به‌شمار می‌آید. تمدن نیز باید با توجه به ظرفیت‌هایی که قرآن به آن‌ها اشاره کرده است، ساخته شود. قیّم بودن هم یعنی این که هیچ کجی و اعوجاجی در آن نیست، از این رو قابل اعتماد و مورد اطمینان است و می‌توان به آن تمسک کرد. برخلاف قوانین بشری که دچار آزمون و خطاست و قابلیت اتکا و پیروی به صورت قطعی ندارد.



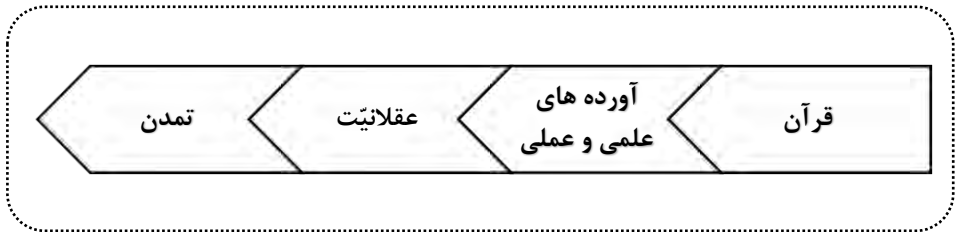
شکل ۱. نمودار قرآن و تمدن‌سازی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی توصیفی تمدنی از کتاب آسمانی ارائه می‌دهد و معتقد است:

«کتاب آسمانی غل و زنجیرها را از پیروان واقعی خود برمی‌دارد. اساس وحی الهی بر حریت و کرامت می‌باشد. چون دین در حاکمیت ذات خود صالح و مصون از فساد افراط و تفریط و محفوظ از آسیب است، می‌تواند عامل اصلاح جامعه بشری شود. بر همین اساس، تدبیر (تمسک به وحی) ضامن صلاح و اصلاح فرد و جامعه است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۵۹۹)

کاری که کتاب آسمانی می‌کند، آزادی فکر و اندیشه از اوهام، خیالات و خرافات است، بلکه روش تعقل و استدلال را به بشر تعلیم می‌دهد، همچنین در پرتو همین آموزه‌های وحیانی قرآن، عقول بشری بارور می‌شود. در پرتو رشد عقلانیت، مردم به سمت تمدن حرکت می‌کنند و تمدنی را شکل می‌دهند که آغازش، آموزه‌های قرآنی و پایان‌اش سلامت دنیوی و سعادت اخروی است. بر همین اساس آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «قرآن هم از نظر هدایت عملی، سخن‌نو دارد و هم از نظر علم و این معنای عقلانیت است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۸۵). یعنی عقلانیت که از شاخصه‌های هر تمدنی محسوب می‌شود، آورده قرآن کریم، البته در مرتبه تمام و کمال آن هست؛

روشن است که هر تمدنی باید از ابزار عقل برای ساختن و پیش‌برد اهدافش بهره بگیرد؛ اینجاست که ظرفیت تمدن‌ساز قرآن خود را نشان می‌دهد و می‌توان از آن به‌مثابه یک منبع معصوم در باروری عقلانیت جمعی و دیگر شاخصه‌ها و ظرفیت‌های تمدن‌ساز آن بهره بُرد.



شکل ۲. نمودار سیر قرآن، عقلانیت و تمدن از نگاه آیت‌الله جوادی آملی

ب. جهانی بودن: یکی از شاخصه‌های اصلی تمدن، بین‌المللی و جهانی بودن آن است، حال همین ویژگی را آیت‌الله جوادی آملی برای قرآن قائل است: «قرآن کریم، کتاب رسمی دین و قانون اساسی دین الهی است و به همین سبب که به زبان فطرت سخن می‌گوید، معارف آن از افق لفظ بیرون و به لحاظ معنا، بین‌المللی و جهانی است.» با همین شاخصه جهانی بودن قرآن، می‌توان تمدنی جهانی بر اساس کتابی جهانی که قانونی جهانی دارد، ایجاد کرد. قرآن ظرفیت تمدن‌سازی را دارد.

قرآن کریم به‌صورت مکرر تعبیر «یا ایها الناس» را به‌کار برده است که نشان از وسعت در مخاطب و جهانی بودن پیام قرآن دارد، آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

«تعبیر «یا ایها الناس» همه مردم و هرکسی را فرامی‌گیرد که «ناس» بر او صادق است و به مردم زمان خاص یا سرزمین، نژاد و ملتی ویژه اختصاص ندارد و تا هنگامی که دلیل خاصی بر تخصیص، تقیید یا انصراف آن آورده نشود، عموم و اطلاق‌اش پایدار است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۳۰، ص ۴۷۶)

تمدن بزرگ‌ترین و فراخ‌ترین قالب اجتماعی بشر است که قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی در مقیاس جهانی را دارد، بنابراین قدرت پاسخ‌گویی، جمعی بودن و جهانی بودن، سه مؤلفه اصلی تمدن به‌شمار می‌رود، از این رو آیت‌الله جوادی آملی قرآن را کتاب تمدن معرفی می‌کند و بر جهانی بودن قرآن تأکید می‌کند:

«ویژگی نخست قرآن کریم، جهانی بودن زبان قرآن است. در فهم معارف قرآن کریم، نه بهره‌مندی از فرهنگی خاص شرط است، تا بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن ویژه‌ای مانع، تا انسان‌ها با داشتن آن مدنیت مخصوص از لطایف قرآنی محروم باشند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۵)

ایشان عامل جهانی بودن قرآن را، زبان قرآن می‌داند که در مقام مخاطب، گستره بشری را با «یا ایها الناس» مورد خطاب قرار می‌دهد؛ این زبان قرآن که مشترک بین همه انسان‌ها است، همان زبان فطرت است:

«یگانه زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده‌ی بشری است، زبان فطرت است که فرهنگ عمومی و مشترک همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی اعصار و امصار است و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره‌مند است و هیچ فردی نمی‌تواند بهانه‌ی بیگانگی با آن را در سر پیروراند و دست تطاول تاریخ به دامان پاک و پایه‌های استوار آن نمی‌رسد که خدای فطرت‌آفرین آن را از هر گزند مصون داشته است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۵)

آیت‌الله جوادی آملی مراد از زبان قرآن را سخن گفتن بر اساس فرهنگ مشترک مردم می‌داند:

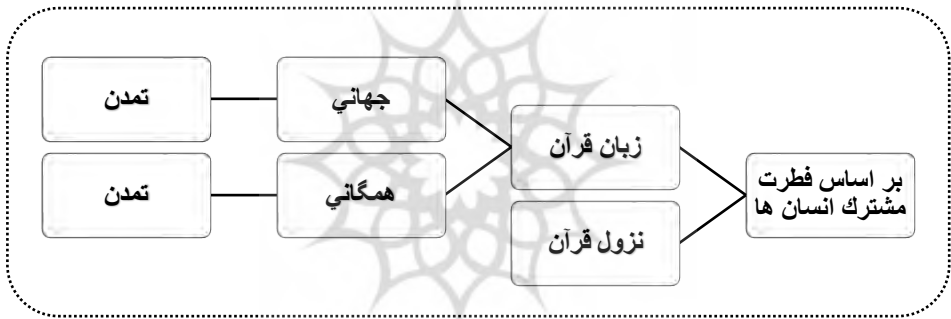
«مراد از زبان قرآن و مردمی بودن آن، سخن گفتن به فرهنگ مشترک مردم است. انسان‌ها گرچه در لغت و ادبیات از یکدیگر بیگانه‌اند و در فرهنگ‌های قومی و اقلیمی نیز با هم اشتراکی ندارند، اما در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییرناپذیر است، با هم مشترک‌اند و قرآن کریم با همین فرهنگ با مردم سخن می‌گوید؛ مخاطب آن فطرت انسان‌هاست و رسالت آن شکوفا کردن فطرت‌هاست و از این رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشر است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۵)

جهانی بودن زبان قرآن کریم و اشتراک فرهنگ آن، در چهره اجتماع دلپذیر سلمان فارسی، صهیب رومی، بلال حبشی، اویس قرنی و عمار و ابوذر حجازی در ساحت قدس پیامبر جهانی، حضرت محمدین عبدالله - صلی الله علیه و اله - که شعار ارسلت الی الایض و الاسود و الاحمر او شهره آفاق شد، متجلی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۴)

با توجه به تبیین آیت‌الله جوادی آملی از زبان قرآن، خصلت جهانی بودن قرآن روشن می‌شود که این خصلت، همان ویژگی تمدن‌ساز قرآن یعنی جهانی بودن است. آیات فراوانی به عمومی بودن فهم قرآن اشاره دارد؛ مانند:

۱. ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد که بسیاری از آنچه را که شما از کتاب [تورات و انجیل درباره نشانه‌های او و قرآن] همواره پنهان می‌داشتید، برای شما بیان می‌کند و از بسیاری [از پنهان‌کاری‌های ناروای شما هم] درمی‌گذرد. بی‌تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشن‌گر آمده است. (مائده، ۱۵)

۲. ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما برهان [و دلیلی چون پیامبر و معجزاتش] آمد؛ و نور روشنگری [مانند قرآن] به‌سوی شما نازل کردیم. (نساء، ۱۷۴)



شکل ۳. نمودار زبان قرآن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

۳-۲. جایگاه قانون در حکومت از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی عنصر قانون را یکی از عناصر اصلی و اساسی مدینه فاضله و حکومت دینی می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۱) ایشان در تبیین ضروری بودن قانون برای زندگی اجتماعی می‌فرمایند:

«انسان در امور لازم زندگی‌اش، چونان حیوان نیست که همه روزی‌اش در طبیعت فراهم باشد و به تعامل و پیوند اجتماعی محتاج نباشد، چنان که در امور عادی نیز مانند فرشته‌ها نیست که از کار، غذا و همسر بی‌نیاز باشد، بلکه زندگی او گروهی است و در زندگی اجتماعی چاره‌ای جز قانون نیست. اصل قانون پذیرفته همگان

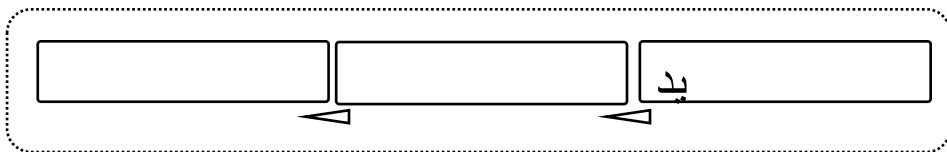
است و قانون هم باید با محوریت سه گروه باشد: قانون‌گذار (قوه مقننه)؛ مجری قانون (قوه مجریه)؛ ارزیاب امور اجرایی و قانون (قوه قضائیه)، وجود این قوا برای اداره هر کشوری امر پذیرفته‌شده بین‌المللی است. امروزه همه نظام‌های حکومتی با این سه قوه اداره می‌شوند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۴)

از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی، هیچ ملتی بی‌نیاز از قوای سه‌گانه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه نیست و اساساً زندگی اجتماعی انسان، بی حکومت و قانون، شدنی نیست، از این رو امیرمومنان حضرت علی - علیه‌السلام - فرمود: «لابد للناس من امیر برّ او فاجر» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰)، هرچند اصل اولی در فرهنگ دینی، آن است که امام باید حاکم به کتاب الهی باشد: «فلعمری ما الامام أأ الحاکم بالکتاب القائم بالقسط الدائن بدین الحق.» (شیخ مفید، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۹)

ایشان در تبیین نیازمندی تمدن به قانون می‌فرمایند: «انسان می‌داند که برای تأمین تمدن خود قوانینی می‌خواهد، اما هرکس قوانین را براساس جهان‌بینی خود تنظیم می‌کند، اگر جهان‌بینی کسی مادی باشد، قوانینش را به روال جهان‌بینی مادی تنظیم می‌کند و اگر جهان‌بینی او توحیدی باشد و چنین یافت که تمدن او در تدین او است، قوانینش را به روال جهان‌بینی توحیدی تدوین و تنظیم می‌کند.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲)

۳-۱-۳. نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره قانون الهی و بشری

آیت‌الله جوادی آملی معتقدند، قانون باید الهی باشد و نه بشری؛ چرا که دانش‌های بشری، تنها در محدوده عرفیات و موضوعات «منطقه الفراغ» کارایی دارند. اختیار مباحثات و انتخاب اضلاع واجب تخییری را هم خود شارع مقدّس به مردم سپرده است؛ اما دیگر موارد، منطقه ممنوعه‌اند و جعل قانون و احکام، تنها بر عهده‌ی وحی و نبوت است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۴)



شکل ۴. نمودار قانون توحیدی

ایشان درباره‌ی منشأ اخذ قانون معتقدند: «منشأ اخذ قانون از چگونگی لسان آیات فهمیده می‌شود:

قرآن کتاب علمی محض نیست، بلکه نور است، از این رو هر جا حکم فقهی را بیان می‌کند، پشتوانه-
اش دعوت به تقوای الهی است (بقره: ۱۸۳) و مسئله‌ی کلامی و فلسفی را با اخلاق همراه می‌کند
(بقره: ۲۸۴) پیوند قانون با اخلاق را قرآن کریم آموزش می‌دهد، در نهایت باید گفت در قانون-
گذاری به وحی الهی نیازمند است». (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۹)

آیت‌الله جوادی آملی، حقوق بشر کنونی را نقد می‌کند و آن را از تراز تمدنی و جهانی بودن پایین
می‌کشد: «حقوق بشر کنونی، داعیه جهانی دارد، درحالی‌که این سخن پایه علمی ندارد، زیرا
حقوق همانند قوانین فقهی سه مرحله دارد: مواد، مبانی و منابع. مواد قانونی از مبانی و مبانی از
منابع گرفته می‌شود، برای نمونه قانون اساسی، مبنای مجالس شورا در سراسر دنیاست و مواد
مصوب آن به استناد قانون اساسی است و قانون اساسی را از منبع می‌گیرند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷،
ص ۲۷۳)

ایشان معتقدند، حقوق بشر با مبانی طبیعی منطقه خاص هماهنگ نیست، از این رو منبع مشترک این
حقوق باید فطرت بشر باشد نه طبیعت او، زیرا آنچه از زمین، زمان و طبیعت خاص برمی‌خیزد،
جهانی نیست، درحالی‌که هر چه از فطرت برمی‌خیزد، جهانی، مشترک و تغییرناپذیر است.
(جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳)

ایشان با تبیین علمی و تمدنی از این که قانون باید جهانی باشد و راه رسیدن به چنین قانونی،
استفاده از منبع مشترک جهانی است، می‌فرمایند:

«محور علمی بحث این است که اگر قانون و حقوق جهانی است، منبع و مبنا نیز
باید جهانی باشد، تا با منبع و مبانی جهانی، مواد جهانی تصویب گردد. بر این پایه،
برای حقوق جهانی منبعی لازم است که زمانی و زمینی نباشد، بلکه باید از درون
انسانیت گرفته شود که برای همگان یکسان باشد. اکنون بیش از هفت میلیارد
ساکنان زمین در رنگ پوست، آداب، عادات و سنن متفاوت‌اند؛ ولی فطرت‌شان
یکی است؛ اگر فطرت منبع باشد و کارشناسانی ماهرانه از این منبع، مبانی را و
حکیمانه از این مبانی، مواد را استنباط کنند، حقوق بشر، جهانی خواهد شد.»
(جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳)

از نظرگاه ایشان راه جهانی‌شدن، تدوین قانون جهانی، بر اساس منبع مشترک جهانی یعنی همان فطرت است، وقتی چنین قانونی تدوین و تصویب بشود، تمدن در مقیاس جهانی شکل خواهد گرفت و بر اساس چنین قانونی، تمدن به پایایی و پیشرفت دست خواهد یافت.

۲-۳. نیاز جامعه به قانون و رهبر وارسته از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

تدوین قانون جامع از طرف فرد معین یا گروه خاص، هرگز ضامن منافع همه اقشار و جوامع نمی‌باشد؛ زیرا هر فرد یا گروهی، یا فقط سود خود را می‌طلبد یا در تشخیص سود و زیان دیگران ناتوان است؛ چنان‌که رهبری فردی که فقط چهره مردمی داشته، از تأیید الهی برخوردار نمی‌باشد یا به‌طور صحیح وارث مکتب الهی نیست ضامن مصالح همه مردم نبوده؛ بلکه در گرایش‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی، منافع طبقه مخصوص را بر مصالح دیگران ترجیح می‌دهد؛ لذا چاره جز تأمین دو رکن اصیل سیاسی - اجتماعی نیست؛ اول، قانون آزاد و دوم، رهبر آزاده. و قانون آزاد از اشتباه و تبعیض نابجا، همانا قانون الهی است و رهبر آزاده همانا انسان وارسته‌ای است که از بند باندبازی، آزاد و از مرز آز و آزار، خُریت یافته باشد. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، مقاله آینده جهان، سایت بنیاد علوم و حیانی معارج)

همچنین فرود آمدن کتاب آسمانی زمینه‌ساز خارج ساختن انسان‌ها از ظلمت‌ها به‌سوی نور و پیامبر - صلی الله علیه و اله - نیز عامل این تحول الهی معرفی شده است: «الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم: ۱)» و روشن است که خارج کردن انسان‌ها از تیرگی‌ها و نورانی کردن آنان جز با رفع شر ستمگران و نجات مظلومان میسر نیست؛ چنان‌که مبارزه‌ی موسی کلیم با درباریان فرعون، به‌عنوان نمونه نورانی کردن جامعه و خارج ساختن آن از تیرگی‌ها یاد می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱) بنابراین، ظلم‌ستیزی، براندازی حکومت‌های طاغوتی و برپا کردن حکومت الهی جزو رسالت‌های الهی انبیاست، نه جزو اعمال آزادی‌خواهانه رهبران عدالت-گستر که تنها از جنبه بشری آن‌ها را انجام می‌دادند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱) از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که پیامبران به دنبال تشکیل حکومت بوده‌اند و حکومت هم بدون داشتن قانون اقامه نمی‌شود، بنابراین پیامبران با داشتن قانونی از طرف وحی الهی اقدام به تشکیل حکومت و مبارزه با ستمگران می‌کرده‌اند و از

طریق اجرایی کردن همین قوانین نورانی، انسان‌ها را از ظلمت‌ها به سوی نور خارج می‌کرده‌اند.

۳-۲-۱. نسبت قانون با اخلاق از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی قانون باید با اخلاق همراه باشد، در غیر این صورت قانون به تنهایی کافی نیست:

«قانون برای اداره جامعه لازم است؛ اما کافی نیست، ضامن اجرا و متمم نقض قانون، اخلاق است. قوای سه گانه، بی‌اخلاق ضامن اجرا ندارند و موفق نیستند. ضامن اصلی اجرای قانون، اخلاق است؛ نه ترس از زندان؛ وگرنه جایی که پلیس حضور ندارد و قاضی از وقوع جرم آگاه نیست، قانون به راحتی نقض می‌شود؛ پس انسان خود باید مراقب خویشتن باشد که به نفع خود یا شخص و گروهی خاص قانون نگذارد و به قانون، جهت تأمین منافع مخصوص، ماده واحد، الحاقیه یا تبصره نزند.» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۰)

ایشان با مثال‌آوری در این مورد می‌فرمایند: «امروزه، گره اساسی و مُعضل اقتصادی جامعه ما نیز کمبود اخلاق است؛ وگرنه آب و خاک فراوان و بودجه به میزان کافی هست. مشکل جدی در حرام‌خواری، رشوه، اختلاس، احتکار، گران‌فروشی، رانت‌خواری، باندبازی و مانند این‌هاست که حرمت همه این موارد برای همگان روشن و از الفبای دین است. بیشتر پرونده‌های دستگاه قضایی، گرد این موارد بدیهی دور می‌زنند. پرونده‌های علمی، مثل پرونده رژیم حقوقی دریای خزر یا پرونده دانش هسته‌ای، بسیار اندک‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۱)

ایشان راه حل این مشکلات را فعال بودن مساجد و حسینیه‌ها و بخش‌های اخلاقی حوزه و دانشگاه می‌داند: «اگر هرکسی در حوزه کاری خود خدا را ناظر بر اعمال خویش ببیند و آیه - «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (علق: ۱۴) در جامعه زنده شود، ثمره‌ی اخلاقی آن‌که اجرای قانون هست، آشکار می‌گردد، بنابراین در اجرای کامل قانون برای یکایک اعضای قوه مقننه، مجریه و قضائیه، اخلاق، لازم و ضروری است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۱)

آیت‌الله جوادی آملی اشاره‌ای هم به غرب و تمدن بدون اخلاق آن دارند:

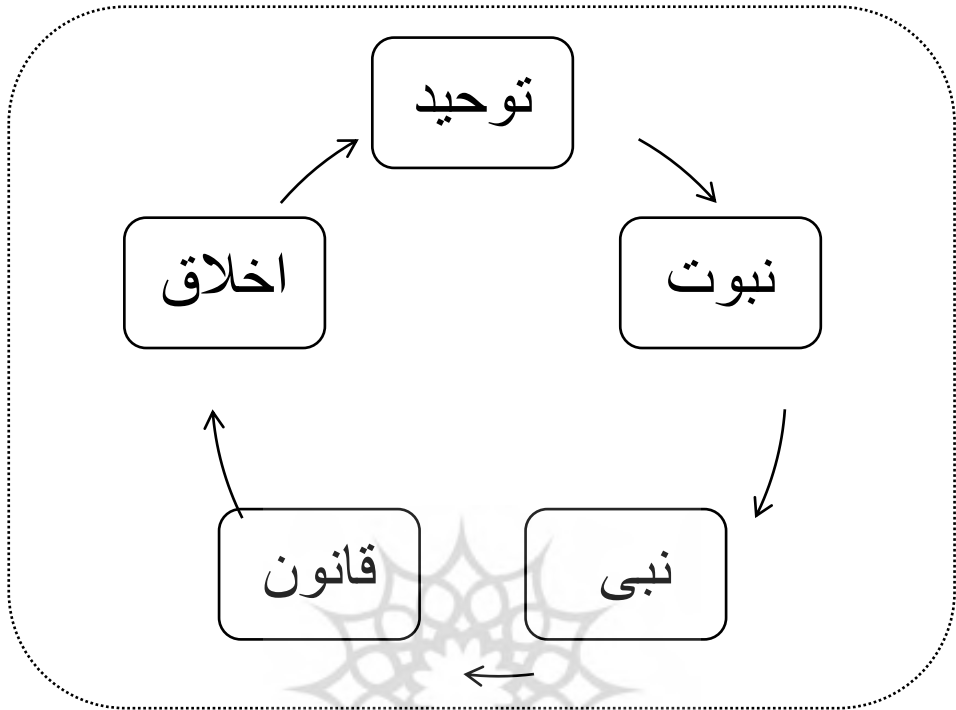
«البته جامعه‌ای که موازین اخلاقی در آن رعایت نمی‌شود و فقط قانون در آن مطرح است، با دشواری‌های جدی روبروست. امروزه غرب به‌ظاهر جامعه‌ای آرام و مردمی قانون‌مدار دارد، ولی تعهد اخلاقی ندارند و بر اساس «قد افلح الیوم من استعلی» (طه: ۶) عمل می‌کنند، همواره در پی تجاوز به کشورهای ضعیف دیگر و غارت اموال و چپاول منابع آنان‌اند. تعرض و تجاوز نکردن به حقوق مردم کشورهای دیگر و آنان را مثل مردم خود دانستن، تعهد اخلاقی می‌خواهد که اینان از آن بیگانه‌اند». (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۲)

در جای دیگری به این نقطه ضعف اساسی تمدن غرب و جاهلیت مدرن یعنی ضعف اخلاقی که آن را با قانون نیز همراه کرده‌اند، اشاره دارند:

«آزادی حیوانی که در جاهلیت کهن بود و زن شوهردار خود را به ارتباط با نامحرم دلخواهش مجاز می‌دانست و زنان هم‌رتبه و هم‌فکر او نیز حق را به وی می‌دادند، در جاهلیت مدرن امروز هم یافت می‌شود، بلکه این آزادی زشت، قانونی شده و امروزه در برخی از کشورهای به‌ظاهر متملن غرب، رابطه زن و مرد نامحرم، خواه مجرد باشند یا متأهل، با رضایت دو طرف امری پذیرفته شده است و از این فراتر، قانونمند کردن همجنس‌گرایی در مجالس قانون‌گذاری برخی از کشورهای به‌ظاهر متملن است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۴۵۳)

۲-۲-۳. نسبت قانون، اخلاق و توحید از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی، جامعه را قانون اداره می‌کند و ضامن اجرا و مکمل آن اخلاق است و پشتوانه اخلاق، اعتقاد توحیدی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۴۵۳) آیت‌الله جوادی آملی در پی اثبات این مطلب است که توحید، نبوت را به همراه دارد و نبی هم قانون را می‌آورد که این قانون برای تشکیل تمدن و حکومت و اداره کردن جامعه است و ضامن اجرای این قانون، اخلاق است و در نهایت پشتوانه این اخلاق، همان توحید می‌باشد، یعنی چرخه‌ای را که ایشان ترسیم می‌کند، از توحید سرچشمه می‌گیرد و به توحید بازمی‌گردد. شاید بتوان این مطلب را در شکل زیر نشان داد:



شکل ۵. نمودار اخلاق توحیدی

علامه جوادی معتقدند: سلامت اخلاق در گرو ایمان به مبدأ و معاد است و اخلاق توحیدی، پرتوافکن بر اخلاق و قوای سه‌گانه است و بدون آن، اخلاق هم پایگاه علمی و ضامن اجرا ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۲)

ایشان بر این باورند که ایجاد مدینه فاضله و تمدن الهی در گرو اعتقاد توحیدی است و اخلاق هم فرع آن است و قانون، فرع در فرع. بنابراین، ممکن است، تعهد اخلاقی آرامش نسبی بیاورد؛ اما آنان که مرگ را نابودی می‌پندارند، هر جا که تعهد اخلاقی مزاحم و مانع بهره‌مندی‌شان از لذت مادی باشد، دلیلی برای رعایت آن نمی‌بینند، زیرا اگر کسی بگوید، عدالت و احسان به دیگران را دوست دارم؛ ولی به توحید و معاد اعتقادی نداشته باشد، در واقع کاری بیهوده انجام داده است. بر این اساس این افراد نیز، قانون و اخلاق را تا آنجا رعایت می‌کنند که مبدا دیگران از نقض قانون و عدم تعهد اخلاقی‌شان اطلاع یابند و آگاهی‌شان سبب اعتراض شود، اما اگر کسی از تخلف آن‌ها آگاه نشود، دلیلی برای انصراف آن‌ها از لذتِ نقد وجود ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۳)

ایشان اخلاق عادی را کارساز نمی‌دانند و در ذیل تفسیر سوره یوسف می‌فرماید:

«در این‌گونه موارد، اخلاق عادی بدون ایمان کامل و اعتقاد توحیدی کارساز نیست. هیچ انسان عدالت‌خواه، آزاد و استقلال‌طلبی که ایمان توحیدی ندارد، چنین لذت‌نقدی را از دست نمی‌دهد، حتی مؤمنان سست ایمان هم پایشان می‌غززد. در قصه یوسف علیه‌السلام که از یک‌سو انجام دادن آن گناه در خفا با وجود همه زمینه‌های تحریکی (جوانی، غریزه و زیبایی) و از سوی دیگر، تهدید به عذاب، شکنجه و زندان در فرض عدم پذیرش، وجود داشت، تنها عامل نجات‌بخش، اعتقاد راسخ توحیدی آن حضرت بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۳)

ایشان معتقدند تنها راه نجات فرد و جامعه از همه گناهان (اعم از رشوه‌های زیرمیزی، احتکار، اختلاس، رانت‌خواری در مسائل اقتصادی، تقلب و خیانت در امور فرهنگی، تصمیم به کودتا و ایجاد اختلاف در پشت درهای بسته بر ضد کشوری دیگر...)، فقط اعتقاد توحیدی قوی می‌باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۴)

بر این اساس، همان‌گونه که اعمال، نیازمند قانون‌اند و برای قانون، ضامن اجرایی به نام اخلاق لازم است، برای فضائل و تعهدات اخلاقی نیز ضامن اجرایی به نام عقیده توحیدی ضروری است. انسان باید به مبدئی معتقد باشد که در همه‌ی احوال او را می‌بیند و لحظه‌ای از او غافل نیست و در زندگی‌اش حضور فعال دارد و اگر بیراهه رود، هر آنی می‌تواند او را در درون خانه‌اش رسوا کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۴) چنین اعتقادی ضامن اخلاق است و امنیت فرد و جامعه را تأمین می‌کند.

علامه جوادی معتقد است، جامعه‌ای که بخواهد در هر زمینه‌ای بهره بگیرد و سود برساند، باید اصل ثابتی به نام اعتقاد و شاخه‌ای پاک چون عمل صالح داشته باشد. این قانون را با استناد به آیات قرآن بیان می‌کند، مانند: «آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد واقعی به توحید است] مانند درخت پاک است، ریشه‌اش استوار و پابرجا و شاخه‌اش در آسمان است؛ میوه‌اش را به اجازه پروردگارش در هر زمانی می‌دهد. و خدا مثل‌ها را برای مردم می‌زند تا متذکر حقایق شوند.» (ابراهیم: ۲۴-۲۵) طبق این آیات، قانون پیشرفت و سعادت جوامع بشری، همانا توحید و ایمان به خدا است که شاخ و برگ اخلاق کریمانه در آن می‌روید و جامعه بشری از

میوه‌هایش بهره‌مند می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۷)

در نهایت می‌توان گفت که از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی، قانون قدسی لازمه‌ی پیدایی و پایایی تمدن است، این قانونی الهی است که از توحید سرچشمه می‌گیرد و در نهایت، منجر به تمدنی می‌شود که آن تمدن هم به تقویت و اشاعه توحید می‌انجامد.

این مطلب، دقیقاً نقطه مقابل تمدن غرب قرار دارد، یعنی تمدن کنونی غرب که خود را تمدن معیار، فعال و پیشرو در عصر حاضر می‌داند، این اعتبار را برای انسان قائل است که توانایی وضع قانون زندگی، با تکیه بر عقل و علم تجربی و انسانی را دارا می‌باشد. حال آنکه بعد از تکامل تمدن غرب و نقطه اوج آن، شاهد آن هستیم که قوانین بشری نتوانسته است انتظارات را به‌طور کامل و جامع برآورده سازد، بلکه با ایجاد مشکلاتی پیچیده در روابط انسانی، موجب ضربه زدن به هویت انسانی و متلاشی شدن کانون خانوادگی شده و اساساً به ابتذال اخلاقی منجر گردیده است که یک فاجعه برای جوامع انسانی محسوب می‌شود و نتیجه‌ی آن قوانین بشری، جامعه‌ای شده است که برای انسان غربی هم غیرقابل پذیرش است.

با توجه به دیدگاه تفسیری آیت‌الله جوادی آملی ابتدا باید بدانیم علت نیاز بشر به تمدن در فطرت انسانی او نهفته است و چون بشر مدنی الطبع است، حتماً نیازمند حیات اجتماعی است و جمع بین این فطرت متمدن و آن طبیعت اجتماعی انسان، نتیجه‌اش شکل‌گیری تمدن نوین الهی است؛ حال از یک طرف همه جوامع بشری، از گذشته تاکنون، نیازمند قانون بوده است و از طرف دیگر در اجتماع به جهت غریزه، سودجویی بشر و استخدام هم نوعان، نزاع و تزاخم پیش می‌آید (هر کس می‌خواهد دیگری را به نفع خود به کار گیرد)، بنابراین در اجتماع، قوانینی جهت کنترل خودخواهی و سودجویی انسان‌ها نیاز است، به طوری که آن قوانین، قدرت کنترل خودخواهی انسان را داشته باشد و جنبه‌های روحانی و تکاملی او را نیز مدنظر قرار دهد و در این حال، چنین اجتماعی با چنین خصوصیتی، تمدنی می‌سازد که بشر به پوچی گرفتار نشود. در غیر این صورت، اجتماع انسانی گرفتار پوچی و هرزگی اخلاقی می‌شود.

بنابراین قانونی که در یک اجتماع وضع می‌شود نه تنها باید امور مادی انسان را پاسخ‌گو باشد، بلکه توانایی پرداختن به روح و عالم معنا را داشته و تأمین‌کننده‌ی تمامی ابعاد وجود بشر باشد، اما

مهم‌تر از وضع قانون، این است که قانون وضع شده، طوری با روح و جسم انسان عجین و مرتبط باشد که اجرایی شود؛ از نظرگاه ایشان حق قانون‌گذاری برای زندگی انسان‌ها فقط از آن خداست، ولی در تمدن‌های کنونی، این انسان‌ها هستند که شیوه زندگی خود را تعیین می‌کنند.

اگر همان حرف‌هایی که خدا فرموده است، شخصی مثل کانت بزند، مشکل حل نمی‌شود، چون قوانین الهی، علاوه بر صحیح بودن، با وجه قدسی خود، جنبه‌های فطری اطاعت از معبود را نیز در ما به کار می‌گیرد و در چنین فضایی، جامعه را به مقصد و مطلوب موردنیازش می‌رساند. درحالی‌که اگر تمام حرف‌هایی که پیامبران می‌زنند، را کانت بگوید، نتیجه حاصل نمی‌شود، چون جنبه قداست قوانین که بعد اطاعت از معبود را تغذیه می‌کند، که در آن‌ها نیست، به همین جهت هم حرف‌های کانت، با این‌که از جهات بسیاری ارزشمند بود، ولی نتوانست اروپا را اداره کند. (طاهرزاده، ۱۳۹۴، ص ۳۰)

بنابراین بدون قانون منبث از وحی، پایایی تمدن اسلامی غیرممکن است.



شکل ۶. نمودار قانون صحیح و اثر آن

۳-۳. نقش مجری قانون در پایایی تمدن از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی

تأمین حیات جمعی جامعه بدون نظام حکومتی ممکن نیست؛ یعنی بدون قانون یکتا و رهبری یگانه و بدون پذیرش همگان نسبت به قانون جامع و رهبری واحد، یا اصلاً زندگی اجتماعی میسر نیست یا به کمال مطلوب نمی‌رسد و همان‌طوری که تعدد قانون، مانع استقرار نظام حکومتی است، تعدد رهبر و کثرت آن هر چند شورایی هم باشد، مانع ایده‌آل نظام حکومتی است. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، مقاله آینده جهان، سایت بنیاد علوم و حیانی معارج)

آیت‌الله جوادی آملی معتقدند که برنامه مدون انبیاء باید اجرا شود و اجرای احکام عبادی،

اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی آنان بدون حکومت و سامان‌دهی نظام‌مند معقول نیست و در صورت تعدد پیامبران معاصر، برخی از آنان مسئولیت سیاسی - اجتماعی را به عهده دارند و عده - ای دیگر فقط مسئول تبلیغ و مأمور تبیین می‌باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۳)

از نظرگاه ایشان، مجری قانون در نظام اسلام در مرحله نخست به دست امام معصومی است که از عالی‌ترین درجه تعهد و تخصص برخوردار است و پس از وی در اختیار منصوب خاص یا عام (فقیه جامع‌الشرایط) اوست؛ سپس به دست مؤمنان عادل و در مرتبه‌ی پایانی در اختیار مؤمنان فاسق است، زیرا هیچ‌گاه نباید مردم و مملکت را به حال خود وانهاد. (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۹۲)

آیت‌الله جوادی آملی در تبیین این‌که مجریان قانون باید از دو ویژگی «تعهد» و «تخصص» برخوردار باشند، می‌فرمایند: «در مسائل اجرایی، هم دانش و هم ویژگی‌های دانشمند، هر دو معیارند و از تعبیرهای «حفیظٌ علیم» و «القوی الامین» نیز برداشت می‌شود که تخصص و تعهد، دو شرط ضروری برای هر کارگزار هستند؛ اما در دوران امر میان تخصص و تعهد، بی‌گمان تعهد مقدم است» (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۹۲)

ایشان سه دلیل بر مسئولیت سیاسی - اجتماعی پیامبران ارائه می‌کنند:

۱. قیام و اقدام عملی پیامبران علیه شرک و کفر: پیامبران گاه به‌تنهایی و گاه به همراه پیروانشان از بت‌پرستی و مانند آن بیزاری می‌جستند و در برابر مستکبران موضع‌گیری قاطعانه می‌نمودند؛ چنان که حضرت ابراهیم - علیه‌السلام - پس از ناامیدی از تأثیر استدلال‌های علمی، در صحنه کارزار عملی دست به تبر برد. اگر کسی مسئول اجرای احکام نباشد نمی‌تواند دست به تبر برده، خود را در معرض سخت‌ترین کیفر، یعنی سوخته شدن قرار دهد «قالوا حرّوه وانصروا الهتکم» (انبیاء: ۶۸). قیام در برابر کفر، الحاد، ظلم و اقدام عملی به انگیزه برچیدن بساط تباهی و ستم و همچنین گسترش عدل، از مصادیق بارز زعامت سیاسی - اجتماعی است.

۲. دفاع مسلحانه پیامبران از دین: طبق آیه‌ی شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵) همه پیامبران، یا صاحب کتاب بوده‌اند یا حافظ آن.

آهن که در دست بعضی پیامبران به صورت شمشیر و در دست برخی دیگر همچون حضرت ابراهیم به صورت تبر بوده، برای حمایت از آن کتاب است.

۳. شهادت بسیاری از پیامبران در نبردها: در آیاتی از قرآن کریم به درگیری و نبرد بسیاری از پیامبران با سران کفر و ستم و نیز کشته شدن انبیاء - علیهم‌السلام - به دست طاغوتیان، تصریح شده است «و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیرا» (ال عمران: ۱۴۶)، «قل فلم تقتلون انبیاء الله من قبل» (بقره: ۹۱)، «و یقتلون النبیین بغير الحق» (بقره: ۶۱)، «فَدَا أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا كَلِّمًا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (مائده: ۷۰)

اگر مسئولیت پیامبران - علیهم‌السلام - اجرای احکام و قوانین الهی نمی‌بود و تنها به تبیین احکام و موعظه و همچنین به خودداری از شئون دنیایی و حکومت موظف بودند، کار آنها به درگیری و کشته شدن نمی‌انجامید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۲)

ایشان جایگاه ویژه‌ای برای مجریان قانون و حاکمان در پیشبرد و یا عقب‌افتادگی جوامع قائل‌اند، ایشان معتقدند اگر مجریان قانون، از اعتقاد قوی توحیدی برخوردار باشند، می‌توانند کشور را به خوبی مدیریت و اداره کنند، حتی در بدترین شرایط و بحرانی‌ترین محیط، این‌گونه مجریان می‌توانند، مشکلات را مدیریت کنند و تمدن را به پیش ببرند، ایشان نمونه بارز آن را مدیریت حضرت یوسف - علیه‌السلام - نام می‌برد که بر اساس اعتقاد راسخ توحیدی، کشور پهناور قحطی‌زده و بحران‌زده مصر را اداره کرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۶)

از نظرگاه ایشان، مجری قانون باید علاوه بر تعهد، مدیریت و مدبریت قوی داشته باشد و در صورت تراحم معیار تقدیم، اهمیت است.

در مسائل سیاسی و اجرایی افزون بر تعهد، مدیریت و مدبریت نیز ضروری‌اند و فقدان آن دو، خسارتی جبران‌ناپذیر برای حوزه حکومتی به بار می‌آورد و نامه توییح‌آمیز امیر مؤمنان - علیه‌السلام - به کمیل و برکناری‌اش از فرمانداری «هیت» بر اثر ضعف مدیریت او بود. هنگامی که حکومت اسلامی یا بخشی از آن، مورد تهدید است، فرمانداری و فرماندهی هر منطقه را باید به متعهدان توانمند در دفاع از تمامیت ارضی سپرد و چنانچه دارنده هر دو شرط تعهد و تخصص یافت نشود، شخص توانمند و متخصص به همراه تعهد ظاهری بر غیرمتخصص مقدم است، هر چند متخصص،

تعهد واقعی نداشته باشد، چون اصل نظام در خطر است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۹۵)

یکی از شبهاتی که اصحاب «سکولاریزم» (جدایی دین از سیاست) در عصر حاضر در عرصه معرفت دینی القا می‌کنند این است که فعل انبیا - علیهم‌السلام - در زمینه سیاست، معیشت و امور اجتماعی برای بشر حجت نیست؛ زیرا دین، تنها عهده‌دار تبیین معارف اعتقادی، اخلاق الهی، فقه و سامان دادن امر آخرت انسان‌هاست و امور دنیای انسان همانند حکومت و معیشت از حوزه تشریح دینی خارج است. انبیای الهی نیز از آن‌جهت که انسان‌هایی ظلم‌ستیز و آزادی‌خواه بودند به این امور می‌پرداختند، نه از آن‌جهت که رسولان الهی و پیام‌آوران وحی خدا بودند. بنابراین، سیرت و سنت پیامبران در غیر امور عبادی، اخلاقی و اخروی برای امت‌ها حجت نیست و پیروی از آن برای بشرِ خردورز که خود قدرت اندیشیدن دارد ضروری نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹)

در جواب باید گفت؛ اگر قرآن را از این نگاه بررسی کنیم که آیا به سنت و سیرت پیامبران - علیهم‌السلام - در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تنها به دید نقل تاریخ می‌نگرد یا آن‌ها را برای تبیین سنت‌های الهی در جهت پیروی و عمل ارائه می‌کند، خواهیم دید آیات فراوانی پندار باطل سکولاریزم را طرد و نفی می‌کند؛ مانند این که، دستور در بند کشیدن اسیران جنگی را می‌دهد: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَتْصَرَ مِنْهُمْ وَ لَكِن لِّيَبْلُوَا بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (محمد: ۴) یا در پاسخ پیشنهاد گرفتن فدیة برای تقویت بیت‌المال می‌فرماید: باید زمین را از خون ناپاکان سیراب کنید و حق گرفتن فدیة ندارید: «مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال: ۶۷).

پیامبران - علیهم‌السلام - مسئول اجرای احکام‌اند، نه صرف مبین احکام و اجرای احکام بدون زعامت سیاسی - اجتماعی بر مردم ممکن نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۶)

اگر قدرت، محور اساسی سیاست است، انبیا همواره از موضع قدرت سخن گفته‌اند. واژه‌ی «نذیر» که در قرآن کریم ۴۱ بار و به صورت‌های مختلفی در مورد انبیا به کار رفته است، بیان‌کننده موضع قدرت انبیا می‌باشد. همچنین وعده پیروزی نهایی راه انبیا و پیروان مکتب آن‌ها که با واژه‌ی

«لیظهره» بیان شده حاکی از قدرتی است که انبیا برای کسب آن تلاش می‌نمودند (منتظرالقائم، ۱۳۹۴، ص ۷۸)

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، مجریان قانون باید از دو خصلت مهم برخوردار باشند: ۱. دین ۲. عقل. امیرمومنان - علیه‌السلام - می‌فرماید: کسی را که بفهمم بر یکی از صفات خوب استوار است، می‌پذیرم و از نداشتن صفات دیگرش می‌گذرم، ولی از نداشتن عقل و دین چشم نمی‌پوشم؛ زیرا جدایی از دین جدایی از امنیت است و زندگی با هراس، گوارا نباشد و فقدان عقل فقدان زندگی است؛ زیرا بی‌خردان با مردگان مقایسه شوند و بس. (کلینی، ۱۳۹۲، ص ۲۷) از این روایت می‌توان برداشت کرد که کارگزار ایده‌ال و مجری قانون در تمدن دینی باید از دو ویژگی برجسته برخوردار باشد و آن‌هم عقل و دین است، در غیر این صورت نمی‌توان به دیگر خصلت‌ها تکیه کرد. چرا که اگر عقل نباشد، اصلاً زندگی به معنای واقعی وجود نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

با توجه به این پژوهش نتایج زیر حاصل شد:

۱. با توجه به دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، از یک سو علت نیاز بشر به تمدن در فطرت انسانی او نهفته است و چون بشر مدنی‌الطبع است، حتماً نیازمند حیات اجتماعی است و جمع بین این فطرت متمدن و آن طبیعت اجتماعی انسان، نتیجه‌اش شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و از سوی دیگر قانون اساسی تمدن اسلامی، قرآن کریم است، دو مورد از شاخصه‌های تمدن‌ساز قرآن عبارت‌است از: الف. قانون بودگی ب. جهانی بودن.

۲. آیت‌الله جوادی آملی، عنصر قانون را یکی از عناصر اصلی و اساسی تمدن می‌داند که می‌تواند پایایی و طول حیات تمدن را رقم بزند؛ ایشان معتقدند قانون باید الهی باشد و نه بشری؛ چرا که دانش‌های بشری، تنها در محدودهٔ عرفیات و موضوعات «منطقه الفراغ» کارایی دارند. اختیار مباحات و انتخاب اضلاع واجب تخییری را هم خود شارع مقدس به مردم سپرده است؛ اما دیگر موارد، منطقه ممنوعه‌اند و جعل قانون و احکام، تنها بر عهده وحی و نبوت است. از نظرگاه ایشان راه جهانی شدن، تدوین قانون جهانی، بر اساس منبع مشترک جهانی یعنی همان فطرت است،

وقتی چنین قانونی تدوین و تصویب بشود، تمدن در مقیاس جهانی شکل خواهد گرفت و بر اساس چنین قانونی، تمدن به اوج شکوفایی و پایایی دست خواهد یافت.

۳. از نظرگاه آیت الله جوادی آملی، قانون باید با اخلاق همراه باشد، در غیر این صورت، قانون به تنهایی کافی نیست و نمی تواند سبب پایایی تمدنی بشود. جامعه را قانون اداره می کند و ضامن اجرا و مکمل آن اخلاق است و پشتوانه اخلاق، اعتقاد توحیدی است، ایشان بر این باورند که ایجاد مدینه فاضله و تمدن الهی در گرو اعتقاد توحیدی است و اخلاق هم فرع آن است و قانون، فرع در فرع.

۴. قانونی که در یک اجتماع وضع می شود، نه تنها باید امور مادی انسان را پاسخ گو باشد، بلکه توانایی پرداختن به روح و عالم معنا را داشته و تأمین کننده تمامی ابعاد وجود بشر باشد، همین توجه به ابعاد مختلف مادی و معنوی می تواند سبب پایایی تمدن باشد؛ اما مهم تر از وضع قانون، این است که قانون وضع شده، طوری با روح و جسم انسان، عجین و مرتبط باشد که اجرایی شود؛ از نظرگاه ایشان، حق قانون گذاری برای زندگی انسان ها، فقط از آن خداست که واقف به همه نیازهای مادی و معنوی انسان هاست، ولی در تمدن های کنونی این انسان ها هستند که شیوه زندگی خود را تعیین می کنند، همین امر سبب آسیب های فراوانی شده است.

۵. از نظرگاه ایشان علاوه بر قانون خوب، مجری قانون هم در نظام اسلام می تواند نقش مهمی در پایایی تمدن داشته باشد، مجری قانون در مرحله نخست به دست امام معصومی است که از عالی ترین درجه تعهد و تخصص برخوردار است و پس از وی در اختیار منصوب خاص یا عام (فقیه جامع شرایط) اوست؛ سپس به دست مؤمنان عادل و در مرتبه پایانی در اختیار مؤمنان فاسق است، زیرا هیچ گاه نباید مردم و مملکت را به حال خود وانهاد. مجریان قانون باید از دو ویژگی «تعهد» و «تخصص» برخوردار باشند و علاوه بر تعهد، مدیریت و مدبریت قوی داشته باشند و در صورت تراحم، معیار تقدیم، اهمیت است.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.
- آرناسون، یوهان پی (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی تمدن، ترجمه سالار کاشانی، تهران، ترجمان علوم انسانی.
- وینی، سیدمرتضی (۱۳۹۰)، توسعه و مبانی تمدن غرب، تهران، نشر واحد.
- بابایی، حبیب‌الله (الف ۱۳۹۳)، کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، حبیب‌الله (ب ۱۳۹۹)، تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، حبیب‌الله (ج ۱۳۹۹)، جستارهای نظری در اسلام تمدنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، تفسیر تسنیم، ج ۱، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، ج ۶، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، تفسیر تسنیم، ج ۴۰، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، تفسیر تسنیم، ج ۴۱، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، تفسیر تسنیم، ج ۴۳، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، فطرت در قرآن، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۲۲/۶/۱۳۹۸)، «مقاله آینده جهان»، سایت بنیاد علوم و حیاتی معارج.

- زارع خفری، ایوب (۱۳۹۸)، تمدن در تفسیر تسنیم، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)، المحاضرات فی الالهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، ترجمه‌ی عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی، قم، انتشارات رائد.
- سعیدیان جزئی، مریم (۱۳۹۹)، خطوط کلی مهندسی تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۳۰۴-۲۷۱.
- سلیمانی، زهرا، منتظرالقائم، اصغر (۱۴۰۰)، بررسی ویژگی‌های کارگزاران تمدن‌ساز در قرآن (با تأکید بر کارگزاران حکومتگر) فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، صص ۴۸-۷۵.
- شیخ مفید (۱۳۸۹)، الارشاد فی معرفه حجج‌الله علی العباد، قم، نشر فرهنگ اسلامی.
- صادقی، ابراهیم، خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۸)، امکان‌سنجی مهندسی تمدن نوین اسلامی ازمنظر مدل ارتباطی دین و علم مدرن در اندیشه علامه جوادی آملی، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی.
- عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۵)، آموزه امت اسلامی در قرآن کریم و تبیین قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- قانع، حمیدفاضل (۱۳۹۶)، نوسازی تمدن اسلامی از نگاه مالک‌بن‌نبی، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
- کلینی، یعقوب (۱۳۹۲)، الکافی، قم، نشر دارالحدیث.
- مجموعه مقالات (۱۳۹۹)، تمدن و جهانی شدن، ترجمه‌ی رسول نوروزی و فضا خاتمی نیا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- ملاعباسی، محمد (۱۳۹۷)، راه ناهموار تمدن، تهران، ترجمان علوم انسانی.
- میکل، آندره (۱۳۹۳)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه ی حسن فروغی، تهران، انتشارات سمت.
- منتظر القائم، اصغر (۱۳۹۴)، نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی، قم، دفتر نشر معارف.
- مهدی امیری (۱۳۹۳)، تعقل و تدین در ساحت‌های تمدن از منظر آیت‌الله جوادی آملی، مجله نقد و نظر دوره ۱۹، شماره ۷۴، صص ۱۱۷-۱۴۳.
- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۴)، تمدن به مثابه سطح تحلیل، مجله نقد و نظر، دوره بیستم، شماره چهارم، صص ۱۰۱-۱۳۱.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، اصول و مبانی کلی نظام، تهران، نشر میزان.
- هارت، هریبرت (۱۳۹۳)، مفهوم قانون، ترجمه ی محمد راسخ، تهران، نشر نی.

References

- The Holy Quran.
- Nahj al-Balagha.
- Arnason, Johann P. (2020), *Sociology of Civilization*, translated by Salar Kashani, Tehran, Tarjoman Humanities.
- Avini, Seyed Morteza (2011), *Development and Foundations of Western Civilization*, Tehran, Vahe Publications.
- Babaei, Habibaullah (a. 2014), *Theoretical Explorations in Theology and Civilization*, Qom, Institute of Islamic Sciences and Culture.

- Babaei, Habibaullah (b. 2020), Diversity and Civilization in Islamic Thought, Qom, Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Babaei, Habibaullah (c. 2020), Theoretical Essays in Civilized Islam, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Javadi Amoli, Abdullah (2007), Tafsir Tasnim, vol. 6, Qom, Esra Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2010), Tafsir Tasnim, vol. 6, Qom, Esra Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2015), Tafsir Tasnim, vol. 40, Qom, Esra Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2017), Tafsir Tasnim, vol. 41, Qom, Esra Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2018), Tafsir Tasnim, vol. 43, Qom, Esra Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2011), Nature in the Quran, Qom, Esra Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (13/9/2019), "The Future of the World Article", Maarej Revelation Science Foundation website.
- Zarekhfari, Ayub (2019), Civilization in the Tafsir Tasnim, Qom, University of Islamic Studies.
- Sobhani, Jafar (2011), Lectures on theology, summary by Ali Rabbani Golpayegani, translated by Abdolrahim Soleimani Behbahani, Qom, Raed Publications.
- Saeidian Jazi, Maryam (2020), General Lines of Engineering of Modern Islamic Civilization in the Thought of Ayatollah Javadi Amoli, Bi-Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization, Volume 3, Number 1 (5), pp. 304-271.

- Soleimani, Zahra, Montazer al-Qaim, Asghar (2021), A study of the characteristics of civilization-building agents in the Qur'an (with emphasis on ruling agents) Quarterly Journal of the Qur'an, Culture and Civilization, pp. 48-75.
- Sheikh Mofid (2010), Al-Arshad Fi Maarefa Hojjatullah Ali Al-Ebad, Qom, Islamic Culture Publications.
- Sadeghi, Ebrahim, Khaki Gharamaleki, Mohammad Reza (2019), Feasibility study of modern Islamic civilization engineering from the perspective of the relationship model of religion and modern science in the thought of Allameh Javadi Amoli, Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization.
- Erfan, Amir Mohsen (2016), The Teaching of the Islamic Ummah in the Holy Quran and Explaining Its Cultural and Civilizational Capabilities, Qom, University of Islamic Studies.
- Ghaneh, Hamid Fazel (2017), Renovation of Islamic Civilization from the Viewpoint of Malik Bennabi, Qom, Al-Mustafa International Research Institute.
- Kolini, Yaqub (2013), Al-Kafi, Qom, Dar al-Hadith Publications.
- Collection of Articles (2020), Civilization and Globalization, translated by Rasool Norouzi and Fezeh Khatami Nia, Qom, Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Mullah Abbasi, Mohammad (2018), The Rugged Way of Civilization, Tehran, Tarjoman Humanities.
- Mikel, Andre (2014), Islam and Islamic Civilization, translated by Hassan Foroughi, Tehran, Samat Publications.
- Montazer Al-Qaim, Asghar (2015), The Role of the Abrahamic Prophets in Civilization, Qom, Maaref Publications Office.

- Amiri, Mehdi (2014), Reason and Religion in the Fields of Civilization from the Perspective of Ayatollah Javadi Amoli, Journal of Naqd Va Nazar, Volume 19, Number 74, pp. 117-143.
- Nowruz Firooz, Rasoul (2015), Civilization as a level of analysis, Journal of Naqd Va Nazar, Volume 20, Number 4, pp. 101-131.
- Hashemi, Seyed Mohammad (2019), Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Volume I, Principles and General Foundations of the System, Tehran, Mizan Publications.
- Hart, Herbert (2013), The Concept of Law, translated by Mohammad Rasekh, Tehran, Ney Publications.

